

عنوان مقاله :

بررسی فرهنگی عدم کاربرد نشانهای اسلامی در بناها

نویسنده :

دکتر حسن کریمیان

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

آذر - ۱۳۸۵

## فهرست مطالب

عنوان .....	صفحه
تعریف .....	۳
اهمیت نمادها و نشانهها .....	۴
نقش نشانههای معماری و هنری .....	۵
پرسشهای تحقیق .....	۶
فلسفه کاربرد نشانههای اسلامی در بناها .....	۷
راهکارها .....	۹
چگونگی کاربرد نشان ها .....	۱۱
جایگاه دوست در میان کارفرمایان .....	۱۲
خلاصه سخن آنکه .....	۱۶
نتیجه .....	۱۶
پیشنهادات .....	۱۹
منابع .....	۲۲

## چکیده

مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است:

۱. برای هویت بخشی به شهرهای ایران و تبدیل آنها به جلوه گاهی از فرهنگ و تمدن اسلامی

چه باید کرد؟

- هدف تحقیق بررسی فرهنگی عدم کاربرد نشانهای اسلامی در نهادها می باشد.

روش تحقیق: از نوع اسنادی می باشد.

عوامل اصلی عدم کاربرد نشانهای اسلامی در بناها عبارتند از:

۱. عامل اول مشکل فرهنگی است که بر سه گروه زیر حاکم است که حاصل تضاد نظری و

گرایش های دو قطب مدرنیسم و سنت گرایی می باشد.

۲. دولت، به عنوان بزرگترین کارفرما نقش به سزا و تعیین کننده ای در شکل دهنده فضاهای

شهرها و بناها داشته است.

۳. بخش خصوصی، در دو دهه اخیر بخش خصوصی با سرمایه گذاری در طرحهای صنعتی

تجاری و..... به عنوان کارفرما ظاهر شده و نقش مهمی در شکل دادن محیط زیست ایفا

نموده اند. این بخش با هدف کسب درآمد و اجرای طرح های شتاب زده و بعضاً فاقد

کیفیت مطلوب به اعمال سلیقه پرداخته اند.

۴. مردمان عادی که به لحاظ محدودیت در سرمایه، کارفرمایان ساخت بناهای کوچک می باشند

و صرفاً در صدد تامین سرپناهی برای خود می باشند.

واژه گان کلیدی: نشانها - معماری - نشانهای اسلامی - بناها - فرهنگ - دولت

## تعریف:

نشان موجب دلالت است. در منطق قدیم، همچنانکه دلالت را به دلالت طبیعی، دلالت عقلی و دلالت وضعی تقسیم می‌کردند، نشان‌ها را نیز در سه دسته ذکر شده جای می‌دادند.<sup>۱</sup> در نگاه هنرشناسان، نشان مشتمل است بر:

۱- نشانه طبیعی یا نشانه نمایه‌ای، که در آن بین صورت و مفهوم رابطه همجواری وجود دارد. مانند دود که نشانه سوختگی است و نیز بوی سوختگی.

۲- نشانه تصویری، که بدان نشانه نسخه‌ای نیز اطلاق می‌شود و در آن، میان صورت و مفهوم رابطه عینی وجود دارد. مانند نقش مهر که دلالت بر وجود مهر دارد. این نشانه‌ها عموماً مصنوعات بشری هستند.

۳- نشانه وضعی که «نماد» نیز نام گرفته‌اند و با سمبل (Symbol) مترادف می‌باشند. در این نشانه‌ها، رابطه بین صورت و مفهوم رابطه قراردادی است. مانند نور قرمز در چهارراه که به صورت قراردادی بر توقف کامل اتومبیل دارد.

۴- نشان‌های ترکیبی: در بسیاری از نشان‌ها از ترکیب دو یا سه نوع از نشان‌های ذکر شده استفاده شده است. مثلاً گاه‌ها از دود، که نشانه‌ای طبیعی است، طبق قرارداد برای ارسال پیام و اطلاع‌رسانی استفاده می‌شود.

در ادبیات متعارف، نشان به معنای «علامت»، «مظهر»، «نمود»، و «سمبل» به کار رفته‌اند<sup>۲</sup> و عموماً سمبل را نیز به معنای «نماد» دانسته‌اند.<sup>۳</sup>

در لغت‌نامه دهخدا، «نماد» به صورت فاعلی و به معنای «نماینده» و «ظاهر کننده» آمده است.<sup>۴</sup> در فرهنگ معین سمبل یا نماد به معنای نشانه‌ای قراردادی و اختصاری تعریف شده است<sup>۵</sup> و آریانپور آن را «علامت، رمز، اشاره، کنایه و حتی نشانه‌ خویشاوندی و همبستگی» دانسته است.<sup>۶</sup>

اهمیت نشانه‌ها و نمادها در ارتباطات به اندازه‌ای است که گاه ماهیت ارتباط خود تحت تأثیر نمادها قرار می‌گیرد<sup>۷</sup> و بدون آنها انسان‌ها هویت ملی نخواهند داشت. به‌عنوان مثال پرچم یک کشور، نشان، نماد و مظهر ابدیت ساکنان آن سرزمین است و موجد پیوند نسل‌های آن در قرون متمادی می‌گردد.

## اهمیت نمادها و نشانها

نمادها و نشان‌ها در تمدن‌های مختلف دارای ارزش و اهمیت متفاوتی می‌باشند و هنگامی ارزش ملی می‌یابند، که مورد قبول اکثریت اعضای جامعه باشند. همچنانکه تمدن انسانی در گذر تاریخ

دستخوش تحولات گشته است. او به تدریج نمادهای طبیعی (مانند: جغد، مار، مورچه، آهو و...) به فراموشی سپرده می شود. به عبارت دیگر، با توسعه تمدن، پیشرفت صنایع و بالطبع دگرگونی‌های فرهنگی، نشان‌های کهن معنا و شکل خود را از دست داده و یا کاربری دیگری یافته‌اند.

نشان‌ها و نمادها از کهن‌ترین، پیچیده‌ترین، پرنفوذترین و جالب‌ترین ابزارهای بوده‌اند که در جهت ظهور و آشکارسازی مسائل پنهان جهان مادی و معنوی به کار گرفته شده‌اند. ابزاری که بشر توانسته است به کمک آنها اندیشه و حتی خیال خود را به صورت هنر پدیدار سازد.

### نقش نشانهای معماری و شهری:

نشان‌های معماری، همانند هر نماد دیگر، دارای دو عملکرد «بیان معنا» و «ایجاد حس هویت» می‌باشند. هر نشانه‌ای به بیان معنایی فراتر از خود می‌پردازد و حس تعلق به جامعه‌ای خاص را اظهار می‌دارد. این نشانه‌ها به دلیل آنکه در زندگی روزمره تکرار می‌شوند، همچنین حس خاصی از معنا و هویت را تقویت می‌کنند. ۸

نمادها و الگوهای شهری همیشه به عنوان علائم و نشانه‌های القاء‌کننده تفکر و بینش حاکم بر شهرها مورد توجه بوده‌اند. این علائم، چنانچه با دقت و اندیشه متعالی انتخاب شوند، می‌توانند به عنوان یک رسانه عمومی بسیار مهم ایفای نقش نموده و به آگاهی‌بخشی ساکنان شهر و حتی بازدیدکنندگان آن پردازند.

نقش نمادها و نشان‌ها در بناها و فضاهای شهر آنچنان قوی است که از جنبه‌های گوناگون بر ساکنان تأثیر گذاشته و رفتار آنها را شکل می‌دهد. ۹. در واقع، نمادها حوزه‌های خاصی را سازمان می‌دهند و چون حائل‌هایی مانع ظهور و نمود بعضی از اعمال شهروندان شده و یا به ارائه اعمال مثبت یاری می‌رسانند.

نشان‌ها و علائم وسایلی مؤثر و نسبتاً ارزان برای غنی‌سازی هویت، خوانایی و تطابق با محیط می‌باشند.

فضاهای معماری و فضاهای شهری تجلیگاه فرهنگ، تمدن و پیشرفت علمی و فرهنگی یک جامعه به شمار می‌آیند. سیمای شهری و نمادهای موجود در آن نمودار شخصیت، منش، کارکرد و فرهنگ ساکنان آن می‌باشد و از این روست که جلوه‌های معنوی شهر و به ویژه نشان‌ها و سمبل‌های اعتقادی و مرتبط با جنبه‌های ماوراء‌مادیات از اعتباری شایان توجه برخوردارند.

اگرچه برخی معتقدند که بدون فراهم ساختن حداقل نیازهای زیستی شهروندان تلاش برای معنویت‌بخشی بسیار کم‌اثر و حتی بی‌فایده خواهد بود، لیکن نباید فراموش ساخت که آنچه یک

فضای معنوی را از یک فضای غیر معنوی متمایز می‌کند، القائاتی است که لزوماً جنبه مادی و ملموس ندارند. گرچه ممکن است برخی عوامل مادی به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به حال و هوای معنوی در فضای فیزیکی استفاده شود.<sup>۱۰</sup>

### **پرسش های تحقیق:**

شهرهای کهن ایران به زیباترین وجه بیانگر هویت کالبدی و بصری جهت درک کارکردهایشان بوده‌اند، اما امروزه منظر شهرها فاقد چنین هویتی‌اند. به عبارت دیگر سیمای بیرونی عناصر شهرهای امروزی انعکاس دهنده هویت ساکنان خود نمی‌باشد.

با ملاحظه سیمای شهرهای امروز اینچنین به نظر می‌رسد که هیچ تلاش آگاهانه و هدفداری در جهت هویت‌بخشی در آنها صورت نپذیرفته است. کاربرد نشان‌ها و نمادها بر پیشانی تعدادی از بناها، تنها تلاشی انفرادی از سوی معدودی از کارفرمایان و معماران و یا گاهاً تقلیدی ناموزن است. در این شهرها، بسیاری از نشان‌ها و نمادهای هویت اسلامی یا به کلی از بین رفته و یا به شدت کم‌رنگ شده‌اند. اینک این پرسش مطرح است که برای هویت‌بخشی به شهرهای ایران و تبدیل آنها به جلوه‌گاهی از فرهنگ و تمدن اسلامی چه باید کرد؟ در صورتیکه کاربرد نشان‌ها و نمادهای اسلامی در بناهای مدرن و بافت جدید شهرها امکانپذیر باشد، راهکارهای استفاده بجا و محتوایی از این نشان‌ها چیستند و فرآیند انجام کار چگونه است؟

### **فلسفه کاربرد نشانهای اسلامی در بناها:**

روح یک ملت در ارزش‌های دینی آنها نمایان است و ارزش‌های دینی عمیق‌ترین، گرانقدرترین و لطیف‌ترین بخش یک فرهنگ‌اند ۱۱ و معماری را موسیقی «تجسد یافته»، «آینه تاریخ»، «دفتر ثبت آثار بشری» و «بیان‌کننده ایده‌ها و ارزش‌ها» تعریف کرده‌اند ۱۲. معماری عرصه بروز روحيات، حالات، آرمان‌ها و اعتقادات انسان‌ها ۱۳ و نیز عرصه تلاقی فرهنگ، هنر و فن است. آدمیان پدید آورندگان بناها، تأسیسات و فضاهای زیستی‌اند، از این رو هر اثر معماری، اثری فرهنگی نیز محسوب می‌شود. به بیانی ساده، معماری تبلور فرهنگ و اندیشه انسان و تجلی عینی ارزش‌ها و باورهای یک قوم و ملت است..

اگرچه اعتقاد عموم معماران بر آن است که ساختار فرهنگی و اجتماعی یک ملت می‌تواند بر تظاهرات کالبدی و فضایی مصنوعات آنها اثر گذار باشد، اما بدون تردید ویژگی‌های کالبدی و فضایی نیز می‌توانند در پویایی، استمرار و یا تغییر روابط اجتماعی و فرهنگ ملت‌ها مؤثر باشند.

اگر فضاهای شهری را عرصه تجلی فرهنگ ملت‌ها بدانیم، آنگاه می‌پذیریم که آنچه امروز در شهرهای ایرانی رخ می‌نماید نوعی عدول از ارزش‌های غنی فرهنگی و کهن ساکنان این سرزمین و با نگاهی عمیق‌تر «واژگونی هنر زمانه»<sup>۱۴</sup> است. از آنجاییکه فضاهای شهری کانون تمرکز ساکنان زمین‌اند، می‌توان آنها را مناسب‌ترین حوزه تظاهر روح و فرهنگ بشری تلقی نمود. از این رو دانشمندان علوم اجتماعی، متصدیان فرهنگ عمومی و برنامه‌ریزان شهری باید با اجرای برنامه‌های کوتاه و بلند مدت در این حوزه‌ها، ابعاد مثبت فرهنگ ملی را رونق بخشیده و تقویت نمایند. صاحب‌نظرانی که شرایط حاکم بر معماری و ساختار فضایی شهرهای ایران را به نقد می‌کشند، پیشنهادات متعددی به منظور تجلی ارزش‌های مذهبی و ملی ارائه داده‌اند. به‌عنوان مثال در بیانیه پایانی گردهم‌آیی «فرهنگ عمومی، معماری و شهرسازی»، ضمن اظهار تأسف از عدم توجه به فرهنگ عمومی در معماری و شهرسازی، تأکید گردیده تا «... ملاحظات فرهنگی در ضوابط معماری و شهرسازی مورد توجه جدی قرار گیرد.»<sup>۱۵</sup>

در این بیانیه همچنین بر «توجه به معماری اسلامی»، «رعایت حکمت اسلامی (تنظیم زندگی مادی و معنوی بر اساس رفتارها و روش‌های عقلی، شرعی، اخلاقی و آرمانی)»، «ترویج نشانه‌های معماری ایرانی - اسلامی» و نیز «توجه به روح فرهنگی جامعه» در برنامه‌ریزی‌های شهری تأکید گردیده است.

## راهکارها:

- ۱ - جهت تحقق پیشنهادات مذکور راهکارهایی ارائه می شود. بعضاً قابل اجرا به نظر می‌رسند.
- ۲ - برخی دیگر، مدیران، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری را به راهکارهای اجرایی مانند انتقال امور فرهنگی از سالن‌های سرپوشیده به فضاهای باز شهری (فضاهای ایستا) دعوت نموده و معتقدند که در این صورت همه اقشار اجتماع قادر خواهند بود محصولات فرهنگی خود را در این فضاها و در تعامل با هم عرضه دارند.
- ۳ - به اعتقاد دسته‌ای، توجه به آکس و محورهای اصلی شهری و نیز قطعی نمودن عناصر شاخص در شهرها نیز می‌تواند سبب توجه به ارزش‌های فرهنگی و ملی گردد. در این دیدگاه بر اینکه فضاهای فرهنگی و مذهبی شهرها به‌عنوان نقطه عطف آکس‌های اصلی در معرض دید ساکنانشان قرار گیرند تأکید گردیده است.
- ۴ - بعضی، تقویت هویت بصری شهر را با افزودن تعداد نمادهای ویژه، که احساس مذهبی و ملی را در شهروندان افزایش دهد، خواستار گشته‌اند. از این منظر، در یک کشور اسلامی، روابط اجتماعی شهرنشینان بایستی بر پایه ارزش‌های دینی سامان یابد و چهره فیزیکی شهرها می‌تواند تقویت‌کننده هویت اسلامی آنها باشد. در این میان، تعدادی از معماران و شهرسازان نیز ضرورت ارزیابی و ارزش‌گذاری مجدد ارزش‌ها را گوشزد نموده و معتقدند که چنانچه معماران از راه‌های رفته شده، سنت‌های تثبیت شده، و ارزش‌های نهفته در آن سنت‌ها تقلید کند، آزادی خود را در فهم و گزینش ارزش‌ها نفی نموده است.
- ۵ - عده‌ای بر نوآوری و جهانی شدن تأکید ورزیده‌اند، ۶ - گروهی نیز بر حفظ هویت ملی - مذهبی و رعایت اصول معماری ایرانی - اسلامی نظیر توجه به مؤانست انسان با محیط فیزیکی و طبیعت، مردمی بودن فضاها و ایجاد نشاط معنوی در حین عفت و سادگی پافشاری و پیشنهاد نموده‌اند که بدین منظور آن دسته از طرح‌های معماری و شهری که با رعایت اصول ذکر شده و نیز با توجه به حفظ ارزش‌های فرهنگی تهیه می‌شوند مورد تشویق دولت قرار گیرند.
- ۲۰ - از دیدگاه این گروه، در روند تکاملی جوامع بشری، فرهنگها توانسته‌اند بواسطه نمادهایی را که خود موجد آن بوده‌اند، تداوم یابند. این نمادها، در شرایط زندگی گذشته به نسبت بیشتر و در عصر حاضر در مقیاس شایان توجه، توانسته‌اند در انتقال اندیشه جمعی انسانها ایفای نقش نمایند. چه سمبل در پی کمترین جست و جو و بر مبنای اشتراک سلیقه‌ها و احساس‌های «گروههای اولیه»



انتخاب شود یا در پی جست جویهای منظم توسط متصدیان اموری شهری تعیین گردد، با دارا شدن بار فرهنگی - اجتماعی مختص به خود، نقش ویژه ای را ایفا می کند<sup>۲۱</sup>. از این رو است که طراحان و برنامه ریزان شهری باید «... در خلق فضاهای شهری مأنوس که محدوده های فرهنگی را ترغیب و تعلیم نماید بسیار بیشتر گام بردارند...»<sup>۲۲</sup>.

### چگونگی کاربرد نشان ها :

میدانیم که سازماندهی فضایی شهرها، فرایند باز تولید و تغییر شکل روابط اجتماعی در ساخت آنها است و رابطه متقابل عناصر شهری محتوای اجتماعی خاصی بدان می بخشد. به عبارت دیگر همانگونه که روابط اجتماعی به فضاها فرم، عملکرد و اهمیت اجتماعی می دهد، تغییر در محیط شهری نیز می تواند به تغییر روابط اجتماعی بیانجامد و از این رو بکارگیری سمبل ها در فضاهای شهری اهمیت می یابد. به عبارت دیگر «... اگر جامعه و فضا در رابطه متقابل باشند، سازمان اکولوژیکی شهر ها گرایش به بیان و تقویت این همبستگی را از طریق تمرکز سمبل ها و سیستم ارتباطات بر مبنای مشارکت فضایی در ارزش ها می سازد»<sup>۲۳</sup>. بدین ترتیب باید پذیرفت که شهر خود یک ساخت سمبلیک است که در آن مجموعه ای از علایم رابطه میان طبیعت، فرهنگ، فضا و جامعه را تنظیم می نمایند.

- در شهر ها هر واحد معماری، به هر شکل و اندازه ای که باشد، قابلیت آن را دارد که مفهوم خاصی را منعکس سازد، تراکم مفاهیم و معانی در فضاهایی بیشتر است که سازندگان متعهدتر و با فرهنگ غنی تر در شکل دادن آنها دخیل باشند. این بدان جهت است که باورها و اعتقادات در کیفی کردن فضاها (در مراحل طراحی، ساخت، تزئین و حتی استفاده) ایفای نقش می کنند<sup>۲۴</sup>. به عبارت دیگر مردم سازنده شهر، هرگاه توانسته اند فرصت اندیشیدن بیشتری داشته و سلیقه های خاص خود را چه در زمینه روابط کاربردی فضا، چه در زمینه تناسب سه بعدی و برداشتهای روانی، چه در زمینه مصالح ساختمانی و شالوده بنا و تطابق آن با نیازهایی از قبیل حس آرامش و .... روی بناهای خویش بیشتر انعکاس دهند، شهری ساخته اند که مظاهر و علایم بیشتری را از بافت فرهنگی ساکنین در خود اندوخته است<sup>۲۵</sup>. از این رو است که، «... هر شهر کهن با سیمای ظاهری و شکل های خاص خویش می تواند با کتابی با نگارش خاص خویش، زبان بسته خویش و خلاصه با سبک خود مقایسه گردد»<sup>۲۶</sup>. اگر چه کاربرد مظاهر، علایم و سمبل های فرهنگ گذشته این سرزمین در فضاهای نوسازی شهری، از سوی دست اندرکاران معماری مدرن مورد انتقاد قرار گرفته، لیکن به یقین در زندگی روزمره ساکنان شهر ها ارزش ها و مفاهیمی وجود دارد که از راه عناصر کالبدی یا

قابل لمس، می توان آنها را به دیگران منتقل ساخت. بدون تردید انتقال این ارزش ها فضاهای فکری واحد و همگانی را شکل داده و پیوندهای اجتماعی را سبب می گردد.

نشان ها و سمبل هایی که نمایانگر ارزش ها و مفاهیم اجتماعی - فرهنگی باشند، به مثابه وسیله تبادل افکار بین ساکنان شهرها عمل می کنند. چگونگی کاربرد نشانه ها، به گونه ای که به عنوان یکی از وسایل جمعی اثر بخش به کار آیند، امری است که همکاری برنامه ریزان شهری در راهبری کنش های فرهنگی جامعه و تجلی مظاهر فرهنگی را طلب می نماید.

### جایگاه دولت در میان کارفرمایان و سازندگان:

رویش و رشد هندسی و شتابان و جنگل وار سیمان، آهن و سنگ ۲۷، در جهان معاصر و سیطره فضاهای آلوده ای که بی امان بارانی از سم بر تن و جان بشر خسته و فرسوده زمانه فرو می بارد، از واقعیت های اسفبار و مخاطره انگیز دنیایی است که در آن زندگی می کنیم ۲۷. ظهور پدیده هایی چون رشد سریع جمعیت و مهاجرت به شهرها، سبب رشد بی رویه شهرهایی تقریباً یک شکل، با خیابانهایی بی انتها و مملو از اتومبیل، ساختمانهایی بی هویت و پوشیده از تابلوهای تبلیغاتی گوناگون گردیده. ساخت انبوهی از بناهای مسکونی، عام المنفعه، تجاری، نظامی، مذهبی، ارتباطی، آموزشی - فرهنگی و در یک کلام ساخت محیط زیست انسان معاصر حاصل فعالیت مشترک دو گروه؛ «کار فرمایان» و «سازندگان» است ۲۸.

در میان گروه اول، **بخش دولتی** - به عنوان بزرگترین کارفرما - نقش به سزا و تعیین کننده ای در شکل یابی فضاهای ذکر شده و توسعه شهرها برعهده دارد. در بیست سال گذشته، **بخش خصوصی** با سرمایه گذاری در طرحهای صنعتی، تجاری و تهیه مسکن به عنوان کارفرما ظاهر شده و نقش مهمی در شکل دادن محیط زیست ایفا نموده است. کار فرمایان بخش خصوصی، با هدف کسب درآمد و اجرای طرحهای شتاب زده و بعضاً فاقد کیفیت مطلوب، به اعمال سلیقه گروهی که از معماران در فضاهای شهری مشغولند. آخرین دسته از این گروه، مردمان عادی اند که، به لحاظ محدودیت در سرمایه، کارفرمایان ساخت بناهای کوچک می باشند.

در میان **سازندگان**، یعنی گروهی که با کارایی، بینش و سلیقه خود شکل نهایی ساختمانها و شهرها را تعیین کرده و به اجرا می گذارند، می توان معماران خارجی، متخصصان داخلی، سازندگان حرفه ای غیر معمار و مردمان عادی را نام برد. خوشبختانه در شرایط حاضر، نقش معماران خارجی - که اولین گروه از متخصصان داخلی را تربیت نمودند - کم رنگ شده و متخصصان بومی مسئولیت اجرای تمامی طرحهای دولتی را بر عهده دارند. در حالیکه تضادهای نظری و گرایش های فیما بین دو

قطب متضاد مدرنیسم و سنت گرایی و طیف های گوناگون آنها در دنباله روی از معماری مدرن و یا احیاء معماری سنتی ادامه دارد، غیر معماران حرفه ای ، سازندگان سنتی و عامه مردم بدون توجه به اینگونه مباحث حجم عظیمی از بناها - بویژه بناهای مسکونی - را بوجود می آورند.

به هر حال علیرغم آنکه عموم معمارانه برجسته ایرانی همواره تلاشهایی در جهت پیوند مصنوعات خویش به گذشته و فرهنگ این سرزمین معمول داشته اند، اما این تلاشها بیشتر سطحی و ظاهری بود و توجه عمیق به روح کلی و همچنین اصول و مبانی معماری سنتی مبذول نگردیده و به رغم دیدگاههای مشترک بسیاری که در میان معماران و شهرسازان است ، هنوز این جریان شکل مشخصی نیافته و مبانی نظری خود را تنظیم نموده است ۲۹.

توضیح مختصری که در رابطه با دو گروه کارفرما و سازنده ارائه گردید، در واقع نمایانگر نوعی تقسیم بندی بناهای احداثی نیز بوده است. برای مینا، کلیه بناهای احداثی را می توان در دو گروه «بناهای دولتی» و «بناهای خصوصی» جای داد.

گروه **نخست** طیف وسیعی از بناهای اداری، نظامی، تشریفاتی، ارتباطی، آموزش، مذهبی، عام المنفعه، تجاری و ... را شامل می شود. در حالیکه تقریباً تمامی بناهای مسکونی، اکثر بناهای تجاری، و تعدادی از بناهای مذهبی و بناهای عام المنفعه (وقفی) به ترتیب اولویت در گروه **دوم** جای می گیرند.

اگر چه آمار دقیقی که درصد مستحذات دولتی را به نسبت بناهای احداثی بخش خصوصی روشن سازد در دست نیست، لیکن بدون تردید تعداد بناهایی که به خواسته کارفرمایان غیر دولتی احداث می شوند، از مستحذات دولتی بیشتر است. در عین حال می توان دریافت که تراکم بناهای دولتی در شهرها، بویژه مراکز استانها و پایتخت، بسیار چشمگیر است.

همچنین نقش دولت در تهیه طرحهای شهری، تنظیم چهره عمومی شهرها و ایجاد میدانهای معماری مانند میدان شهرسازانه، میدان جامعه شناسی (میدانی از رابطه ها، اندیشه ها، تمایلات و ...) میدان اقتصادی و ... ۳۰ واقعیتی انکار ناپذیر است.

بعلاوه به دلیل سیستم متمرکز اداره کشور، غیر از مستخدمین دولت و نیروهای مسلح، سالانه درصد قابل توجهی از مردم به منظور امور آموزشی و یا انجام امور اداری به مراکز دولتی مراجعه می نمایند. به منظور تسهیل در درک این واقعیت، تنها کافی است قریب بیست میلیون دانش آموز و دانشجو را در نظر آوریم که ساعات قابل توجهی از عمر خویش را در مراکز آموزشی دولتی سپری می نمایند.

با عنایت به تاثیر مستقیم و غیر مستقیم فرم و تزئینات معماری بر رفتار انسان، کاربرد سمبلها و نشانهایی، که به فضای معماری و محیط شهری جلوه ای معنوی بخشیده و ابعاد متافیزیکی آنها را افزون و متجلی سازد، ۳۱ در کنار جنبه های فنی - که از آن می توان با عنوان ترکیب زیباییهای معقول و محسوس نام برد - می تواند انبوهی از آموزندگان، کارکنان و مراجعین تاثیر گذار باشد. از جمله مسائلی که در فضا سازی زندگی اجتماعی مورد تأکید قرآن کریم و حدیث قرار گرفته ظواهری است که برانگیزنده یاد خدا باشد. ۳۲ از این رو به نظر می رسد استفاده از سمبلها و نشانهای محتوی ارزشهای پایدار بتواند اضطرابها و وسوسه های افسار گسیخته دنیوی را کاهش داده و صفا و آرامش را جایگزین آنها سازد. ۳۳

افزایش نشانها در محیط شهری و بر پیشانی بناهای دولتی، سیما و پیکر شهر را متأثر ساخته و استفاده بجا و محتوایی از آنها می تواند «روحیه شهر را آرام نموده و تسکین دهد» ۳۴. بدین ترتیب زمینه ای فراهم میگردد تا هنر سهم خود را در هدایت جامعه ایفا نموده و به عنوان وسیله ای در خدمت «پیام رسانی» و «انتقال مقصود» بکار آید. ۳۵

**خلاصه سخن آنکه،** همچنانکه رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: «... در یک شهر اسلامی ... نمودها و نمادهای مختلف در خیابان ها . پارکها، بوستان های شهری و هر جای دیگر شهر، ضمن ایجاد جاذبه، زمینه گرایش شهروندان به معنویات را فراهم می کنند...» ۳۶

### نتیجه:

در یک نتیجه گیری کلی و با جمع بندی مطالب مورد بحث می توان گفت:

۱- اگرچه ایجاد شهرهایی که در آنها حرمت، میثاق های اجتماعی، قانون، امنیت، رفاه، صلح و سعادت، رشد و شکوفایی، صفا و پاکی، یگانگی و برادری، اخلاق و آداب نیکوی اجتماعی و کرامت انسان ها رعایت گردد ۳۷ خواسته ای آرمان گرایانه به نظر می رسد، لیکن استفاده از نشانه هایی - که انعکاس دهنده فرهنگ و اعتقادات ساکنان شهرها باشند، و به عنوان ابزار قدرتمند در تعدیل روحیه اجتماعی، دگرگونی سبک زندگی و سازمان یابی فضاها، مورد استفاده قرار گیرند - روشی امکان پذیر، کم هزینه و سودمند است.

به عبارت دیگر، در حالی که تغییر در فرهنگ و یا الگوی رفتاری یک ملت به طور مستقیم یا در کوتاه مدت میسر نیست، می توان با استفاده از نشان های اسلامی، روحیه آنها را آرام و فعالیت های نامناسب را تحدید نمود. بر این اساس، در طراحی فضا های معماری، می توان ضمن استفاده از عوامل

و عناصر فضایی، کالبدی و ادراکی مناسب، فضایی را ایجاد نمود که انجام فعالیت‌های مطلوب را تسهیل بخشید. و از ظهور فعالیت‌های نامطلوب ممانعت به عمل آورد.

۲- دولت در تهیه طرح‌های شهری و تنظیم چهره عمومی شهر نقش انحصاری داشته و کارفرمای حجم عظیمی از بناهای غیر خصوصی است که در کشور احداث می‌گردند. هرچند در برنامه‌ریزی کشور، هر وزارتخانه متصدی انجام مأموریتی ویژه و تخصصی (مانند آموزش، بهداشت و...) گردیده، لیکن همه آنها مجازند، در نیل به اهداف خود، تنها با رعایت شرایط عمومی ساختمان واحدهای متعددی را در احجام و اشکال گوناگون احداث نمایند. بنابراین به نظر می‌رسد عملاً امکان تصمیم‌گیری جامع و فراگیر در توسعه شهرها و تهیه طرح‌های توسعه عمرانی کشور (در مقیاس محلی و ملی)، منتفی است.

با نگاهی گذرا، به اولیه‌ترین قوانین ساختمانی مصوب در کشور درمی‌یابیم که در آنها رعایت اصولی فرهنگی و هماهنگی با محیط در نمای ساختمان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، در نخستین آئین‌نامه ساختمانی که در سال ۱۳۲۱ برای شهر تهران به تصویب رسید، توجه به وضعیت نمای ساختمان‌ها نسبت به گذر مجاور و رنگ درب و پنجره مشرف به گذر، مورد تأکید قرار گرفته است. بعد از پیروزی انقلاب نیز بر اساس مصوبه ۶۲/۱۲/۲۵ شورای عالی شهرسازی و معماری ضوابط و مقررات نمای شهری مجدداً مورد بازبینی و بر رعایت ظواهر فرهنگی در آن اصرار گردید. به‌علاوه، در مصوبه مورخ ۶۳/۱۲/۲۳ شورای عالی شهرسازی مقرر گردید تا در سیمای شهری به سنن فرهنگی و ویژگی‌های اقلیمی توجه ویژه مبذول گردد. با تشکیل کمیته فنی تدوین مقررات ملی ساختمان در سال ۱۳۶۶ بر ضرورت تطابق مقررات ساختمانی با شرایط فرهنگی جامعه و شکل‌یابی معماری در انطباق با ویژگی‌های ملی و اسلامی پافشاری گردیده است. ۳۹

در تدوین «قانون نظام مهندسی» و نیز «قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان» که به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۴ به تصویب مجلس شورای رسیدند، تقویت و توسعه فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در معماری و شهرسازی به‌عنوان یکی از اهداف اصلی معماران و شهرسازان، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در مصوبه مورخه ۷۵/۷/۲، شورای عالی شهرسازی (پیرو رهنمودات مقام رهبری در خصوص ضرورت رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی در طرح‌های شهرسازی و معماری) مقرر نمود تا در زمینه شهرها و معاری اسلامی گذشته این سرزمین مطالعاتی مستمر صورت پذیرد و اصول و ضوابط طراحی شهری و معماری بر اساس معیارها و ارزش‌های گویای اسلامی تدوین گردد. به‌علاوه مقرر

گردید تا با توجه به نقش ویژه عنصر مساجد، اینگونه واحدها در کلیه طرح‌های شهری به‌عنوان نقطه عطف مرکز شهرها، مناطق و محلات منظور گردند ۴۱.

به هر حال علی‌رغم تأکیدات مکرر متخصصان ذیربط، مراجع قانون‌گذاری و حتی مسئولان طراز اول کشور بر توجه به ارزش‌های ملی - مذهبی این مرز و بوم و کاربرد نشان‌های اسلامی در بناها و فضاهای شهری، به دلیل نامشخص بودن فرآیند انجام کار، این مهم به نحو شایسته در دستور کار دولت قرار نگرفته است. از این رو پیش‌بینی می‌شود تصویب ضوابط پیشنهادی پیوست در شورای عالی انقلاب فرهنگی بتواند به تشکیل مرجع مسئول و پیگیر، هماهنگی کلیه دستگاه‌های ذیربط، در نهایت تصمیم‌گیری جامع و اجرای فراگیر منجر گردد.

### **دستورالعمل پیشنهادی:**

پیش‌بینی می‌شود تصویب مواد ذیل توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی بتواند زمینه رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی در طرح‌های شهرسازی و معماری را مهیا سازد:

#### **۱- ضرورت:**

۱-۱- به منظور تقویت و توسعه فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در معماری ایران از تاریخ ابلاغ این مصوبه، کاربرد نمادها و نشانه‌ها در فضاهای باز شهری و بناهای دولتی تحت احداث ضروری است.  
۱-۲- کلیه دستگاه‌هایی که از بودجه دولتی استفاده می‌نمایند و نهادها و نیروهای مسلح موظف به کاربرد نمادهایی متناسب با فرهنگ اسلامی و عملکرد بناها در نمای فضاهای تحت احداث خود می‌باشند.

#### **۲- دستگاه‌های اجرایی ذیربط**

۲-۱- به منظور تشخیص کاربری بجا و محتوایی نمادها و نشانه‌ها و تعیین ضوابط و مقررات نمای شهرها کمیسیونی با عنوان « کمیسیون نمادها و نشانه‌های اسلامی » در وزارت مسکن و شهرسازی (و ادارات کل تابعه) تشکیل خواهد شد.

۲-۲- وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی، کشور، ارشاد اسلامی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و شهرداری تهران موظفند حداکثر شش ماه پس از ابلاغ این مصوبه آئین‌نامه و دستورالعمل‌های اجرایی کمیسیون مذکور را تهیه و ابلاغ نمایند.

۲-۳- کمیسیون «نمادها و نشان‌های اسلامی» موظف است اصول طراحی محیط و بکارگیری نمادها و سمبل‌ها را بر اساس رسوم، فرهنگ، هویت، عقاید، احساسات و اشتیاق ملت و نیز عناصر،

ارتباطات، تشابهات و تضادهای فضاهای معماری و همچنین سلسله مراتب فضاهای شهری (از بعد حضوری یا عبوری بودن آنها) و... تدوین و به وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای ذیربط ابلاغ نمایند.

۴-۲- کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و نیروهای مسلح موظف خواهند بود قبل از اجرای طرح‌های عمرانی، سمبل‌ها و نمادهای پیشنهادی - که به فضای معماری چهره‌ای معنوی می‌بخشند - را به کمیسیون مذکور ارسال دارند.

### ۳- مقررات و دستورالعمل‌ها:

- ۱-۳- کمیسیون «نمادها و نشان‌های اسلامی» موظف است به منظور کاهش روند استفاده از نشان‌های بیگانه در نمای بناها مقرراتی وضع نماید.
- ۲-۳- کمیسیون مذکور موظف است به منظور نمایاندن فقر هویتی و چهره ناهمگون بناهای مدرن با محیط اجتماعی مسلمانان و نیز آگاهی‌بخشی عمومی در زمینه هویت کالبدی شهرهای کهن ایران، راهکارهایی تهیه و ابلاغ نماید.
- ۳-۳- صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف به همکاری در خصوص بند ۳-۲ می‌باشد.
- ۴-۳- کمیسیون «نمادها و نشان‌های اسلامی» ضوابط استفاده از نشان‌های اسلامی در فضاهای باز شهری را تدوین و هر دو گروه از کارفرمایان دولتی و خصوصی را ملزم به رعایت آن نماید.
- ۵-۳- کمیسیون مذکور کلیه طرح‌های معماری و شهرسازی از نقطه‌نظر هماهنگی نمای بیرونی ساختمان‌ها و محیط شهری از جهات رنگ، حجم، مصالح مناسب، فضای پر و خالی نما، رعایت اصول هماهنگی و تناسب را کنترل و کلیه برنامه‌های مخرب توسط واحدهای نامتجانس را متوقف سازد.
- ۶-۳- راهکارهای اجرایی تشویق کارفرمایان خصوصی (مانند اعطای تسهیلات ویژه) به استفاده از نشان‌های اسلامی در بناها توسط کمیسیون مذکور تدوین و ابلاغ گردد.
- ۴- شورای عالی معماری و شهرسازی موظف به پیگیری و نظارت بر تشکیل «کمیسیون نمادها و نشان‌های اسلامی در بناها» می‌باشد.

## منابع و مآخذ

- ۱- شفیعی خانی، شهناز، نظری بر نمادها و نشان‌ها، تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی، ۱۳۷۲، ص ۴
- ۲- کرمان - ناظرزاده، «نمادگرایی در ادبیات نمایشی»، ص ۳۴
- ۳- پیور- آلن، «فرهنگ سه‌زبانه علوم اجتماعی»، ترجمه ساروخانی، ص ۴۱۴
- ۴- دهخدا- علی اکبر، «فرهنگ لغت»، جلد ۲۸
- ۵- معین - محمد، «فرهنگ معین»، جلد دوم، امیرکبیر
- ۶- آریانپور، «فرهنگ دو‌جلدی انگلیسی - فارسی»، جلد دوم
- ۷- ساروخانی، «جامعه‌شناسی ارتباطات»، زیرنویس، ص ۲۰
- ۸- مزینی، منوچهر، «فرهنگ و زیبایی‌شناسی شهری»، در فصلنامه فرهنگ عمومی ش ۸ و ۹: ۸
- ۹- صابری فر، رستم، «نقش نمادها، الگوها و ساختار فیزیکی شهر در تعالی فرهنگی»، فصلنامه شهود، سال دوم، (بهار و تابستان ۸۰) ش ۶ و ۷: ۱۶۳
- ۱۰- صابری فر، رستم، همان، ص ۱۷۱
- ۱۱- فلاملکی - منصور، «فرهنگ و معماری»، ۱۵۳-۵؛ نامه فرهنگی دانشگاه صنعتی شریف، نامه چهارم، تابستان ۱۳۷۴ ص ۵
- ۱۲- امامی - سید جواد، «معماری فرهنگ و تبلور فرهنگ و اندیشه»، در فصلنامه فرهنگ عمومی، پاییز و زمستان ۱۳۷۵: ص ۱۴۶-۱۴۲
- ۱۳- بیانیه پایانی گردهمایی «فرهنگ عمومی، معماری و شهرسازی» «فرهنگ عمومی»، پاییز و زمستان ۱۳۷۵، شماره ۸ و ۹، ص ۸۸
- ۱۴- ندیمی - هادی، حقیقت نقش، در نشریه نامه فرهنگستان علوم، سال ششم، شماره ۱۴-۱۵ ص ۳۲
- ۱۵- بیانیه پایانی گردهمایی «فرهنگ عمومی، معماری و شهرسازی» «فرهنگ عمومی»، پاییز و زمستان ۱۳۷۵، شماره ۹ و ۸، ص ۸۸
- ۱۶- صالحی، اسماعیل، «اهمیت قضایای شهری در راهبری کنش‌های فرهنگی و مشارکت مردمی» در مشارکت مردمی، ۱۳۷۶: ۱۹۳
- ۱۷- امامی، سید جواد، «معماری، تبلور فرهنگ و اندیشه»، فصلنامه فرهنگ عمومی، پاییز و زمستان ۷۵، ش ۹ و ۸: ۱۴۶
- ۱۸- فلاملکی، منصور، «بازشناسی شهر و فضای بازساخته شده»، مجله محیط‌شناسی، شماره ۳۰، انتشارات مرکز هماهنگی مطالعات محیط زیست دانشگاه تهران، ۱۳۵۴ ص ۷۲



- ۱۹- کلانتری، ایرج، ادبیات معماری ما ضعیف است»، روزنامه همشهری ۸۲/۶/۲۵
- ۲۰- «بیانیه پایانی گردهمایی فرهنگ عمومی، معماری و شهرسازی، در فصلنامه فرهنگ عمومی، پاییز و زمستان ۷۵، ش ۹۰: ۹۰
- ۲۱- فلامکی، منصور، «بازشناسی شهر و فضای باز و ساخته شده» مجله محیط شناسی، شماره ۳۰، انتشارات مرکز هماهنگی مطالعات محیط زیست دانشگاه تهران، ۱۳۵۴ ص ۵۲
- ۲۲- Hall, Edward. T. ۱۹۶۹. The Hidden Dimension: Culture Cities, New York: Anchor Books.
- ۲۳- تولایی، نوین «فضاهای شهری و ارتباطات اجتماعی و فرهنگی»، دانشکده هنرهای زیبا، رساله تحصیلی، تهران: ۱۳۷۱
- ۲۴- تقی زاده، محمد، امین زاده، بهناز، «فضاهای کیفی، معماری و شهر»، فصلنامه فرهنگ، ش ۴ ص ۱۵۴
- ۲۵- فلامکی، محمد، «بازشناسی شهر و فضای باز و ساخته شده» مجله محیط شناسی، شماره ۳۰، انتشارات مرکز هماهنگی مطالعات محیط زیست دانشگاه تهران، ۱۳۵۴ ص ۹۷
- ۲۶- شوای، فرانسوا، شهرسازی، «تخیلات و واقعیات»، ترجمه دکتر محسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵: ص ۷۴
- ۲۷- سپهری، سهراب: «رویش هندسی سیمان، آهن، سنگ - سقف بی کفتر صدها اتوبوس»
- ۲۸- ملاصالحی، حکمت الله، «صور جلالی در معماری اسلامی ایران»، نشریه فارابی، دوره هشتم شماره اول ش.م- ۲۹، ص ۴
- ۲۹- درخشانی، فرخ، «عوامل و ویژگی های معماری معاصر جوامع اسلامی»، ماهنامه معماری و شهرسازی: ش ۴۵: ۲۱۰ و ۲۱۱
- ۳۰- میرمیران، سیدهادی، «جریان نور در معماری امروز ایران» مجله معماری و شهرسازی ش ۵۰ و ۵۱ (بهمن و اسفند ۷۷) ص ۴۳
- ۳۱- فلامکی، منصور، «فرهنگ و معماری» نامه فرهنگی دانشگاه صنعتی شریف، نامه چهارم، تابستان ۱۳۷۴، ص ۸
- ۳۲- خان محمدی، علی اکبر، «معماری دیگر...» در «صفحه»، نشریه علمی، پژوهش، معماری و شهرسازی سال پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۷۴، متن ۱۹، ۲۰: ۶۴
- ۳۳- اراکی، محسن، «نظام اسلامی عمران شهری»، ارائه شده در کنگره بین المللی هنر، فرهنگ و تمدن اسلامی ایران، در مرکز اسلامی انگلستان، چاپ شده در روزنامه اطلاعات ۱۶، ۲۱ مورخ ۱۳۷۸/۶/۲۲

- ۳۴- آوینی سید محمد (مترجم)، «جاودانگی و هنر» (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات برگ، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۱۸-۱۶
- ۳۵- مزینی، منوچهر، «فرهنگ و زیبایی شناسی شهری»، در فصلنامه فرهنگ عمومی ش ۹: ۱۳۴
- ۳۶- حداد عادل، غلامعلی، «هنر، شکل ها و مفاهیم» تهران: نشریه جام جم مورخ ۱۳۸۰/۳/۲۸
- ۳۷- فرازی از فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مدیران و مسئولان شهرداری در شهریور ۱۳۷۵.
- ۳۸- نوحی، سیدحمید، «شهر ربانی»، ماهنامه شهرداری ها، سال دوم، ش ۲۴: ۳۲-۲۸
- ۳۹- طباطبایی مدنی، میرسید حسن، «قوانین و مقررات برای بهبود اداره سازمان های شهری و شهرداری ها (از آغاز مشروطیت تا به امروز)»، ۱۳۹۴- همچنین رجوع شود به «منتخبی از قوانین و آیین نامه ها و مقررات شهرداری پایتخت»، انتشارات شهرداری تهران، ۱۳۵۴
- ۴۰- قانون نظام مهندسی ساختمان، ۱۳۷۱
- ۴۱- قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، ۱۳۷۴ و «مقررات شهرسازی و معماری در طرح های جامع مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران»، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۴
- ۴۲- بنیادی، ناصر، «تحول گرایش های فرهنگی در ضوابط معماری»، فصلنامه فرهنگ عمومی، پاییز و زمستان ۷۵، ش ۹: ۱۲۳. ص ۱۶، ۲۳-۱۰/۲-گز